

علم أصول الفقه

٣٨

٢٢-١٠-٩٣ ظهور

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

• وَ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَ لَكُمْ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (٧٨)

• وَ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (٧٩)

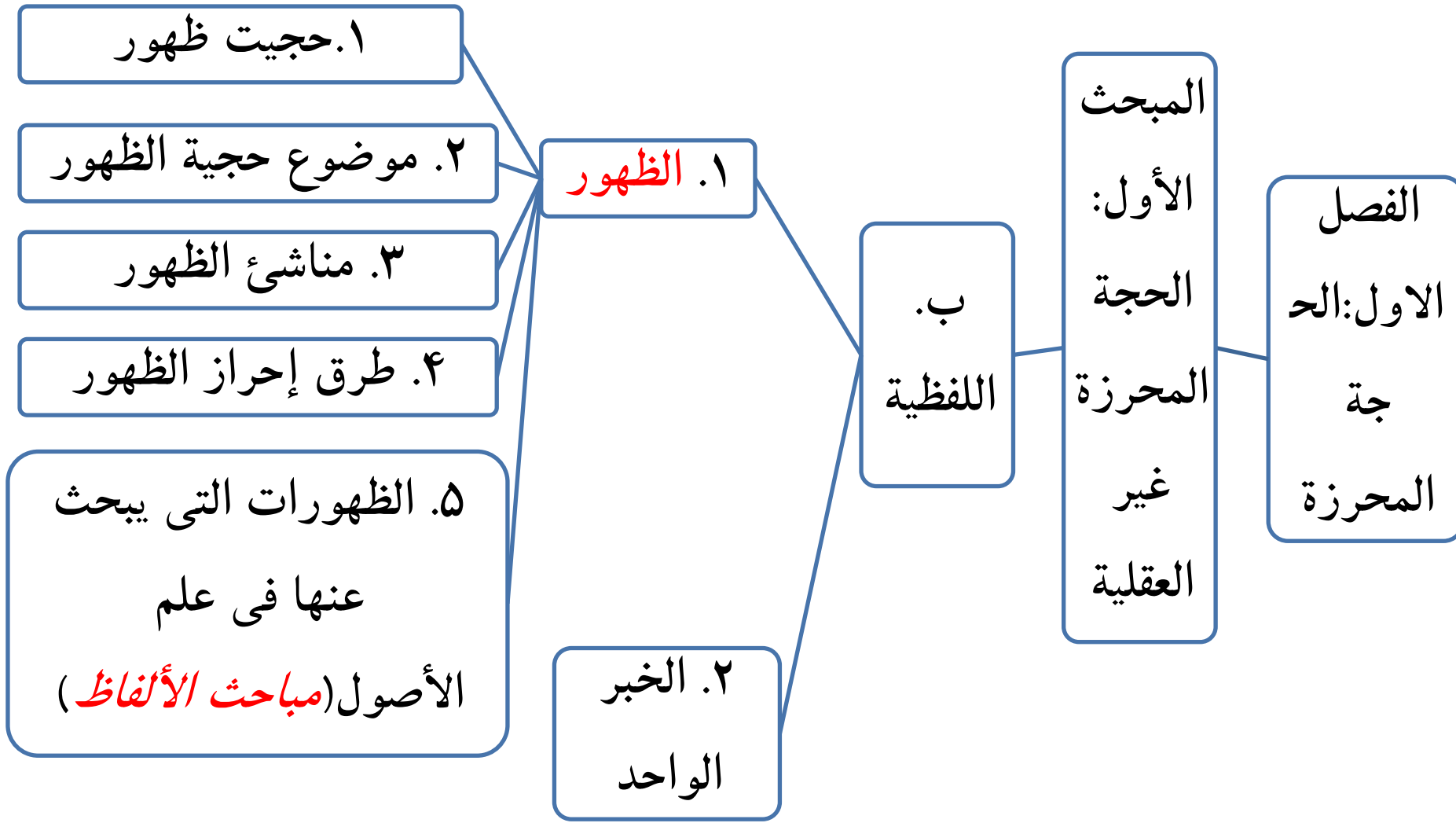
• وَ هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ لَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (٨٠)

• بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ (٨١)

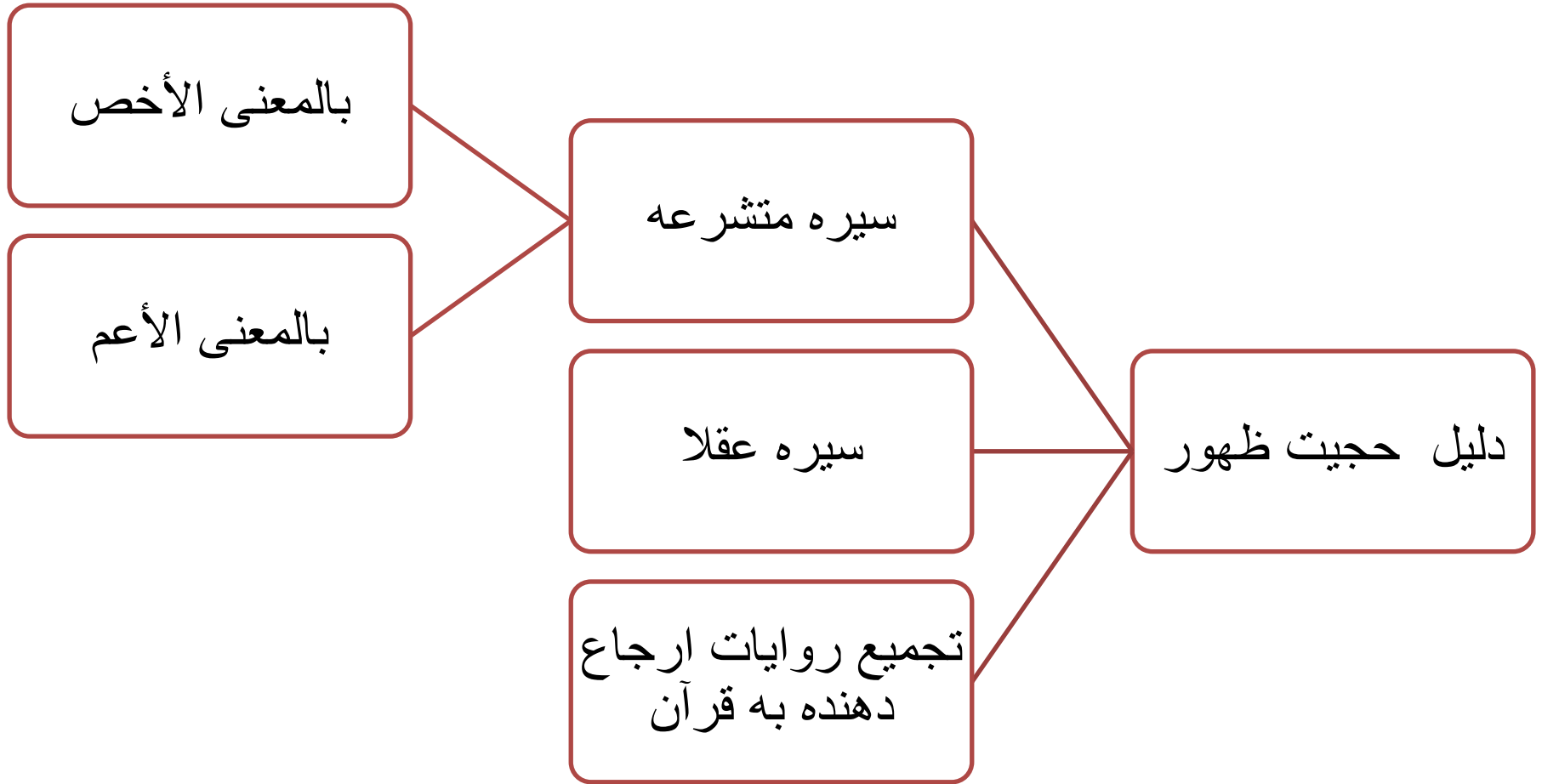
- قَالُوا إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ (٨٢)
- لَقَدْ وَعَدْنَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ إِن هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (٨٣)
- قُلْ لِمَنْ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (٨٤)
- سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (٨٥)

- قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (٨٦)
- سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَمْ لَا تَتَّقُونَ (٨٧)
- قُلْ مَنْ مِنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُوَ يُجِيرُ وَ لَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (٨٨)
- سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنى تُسْحَرُونَ (٨٩)

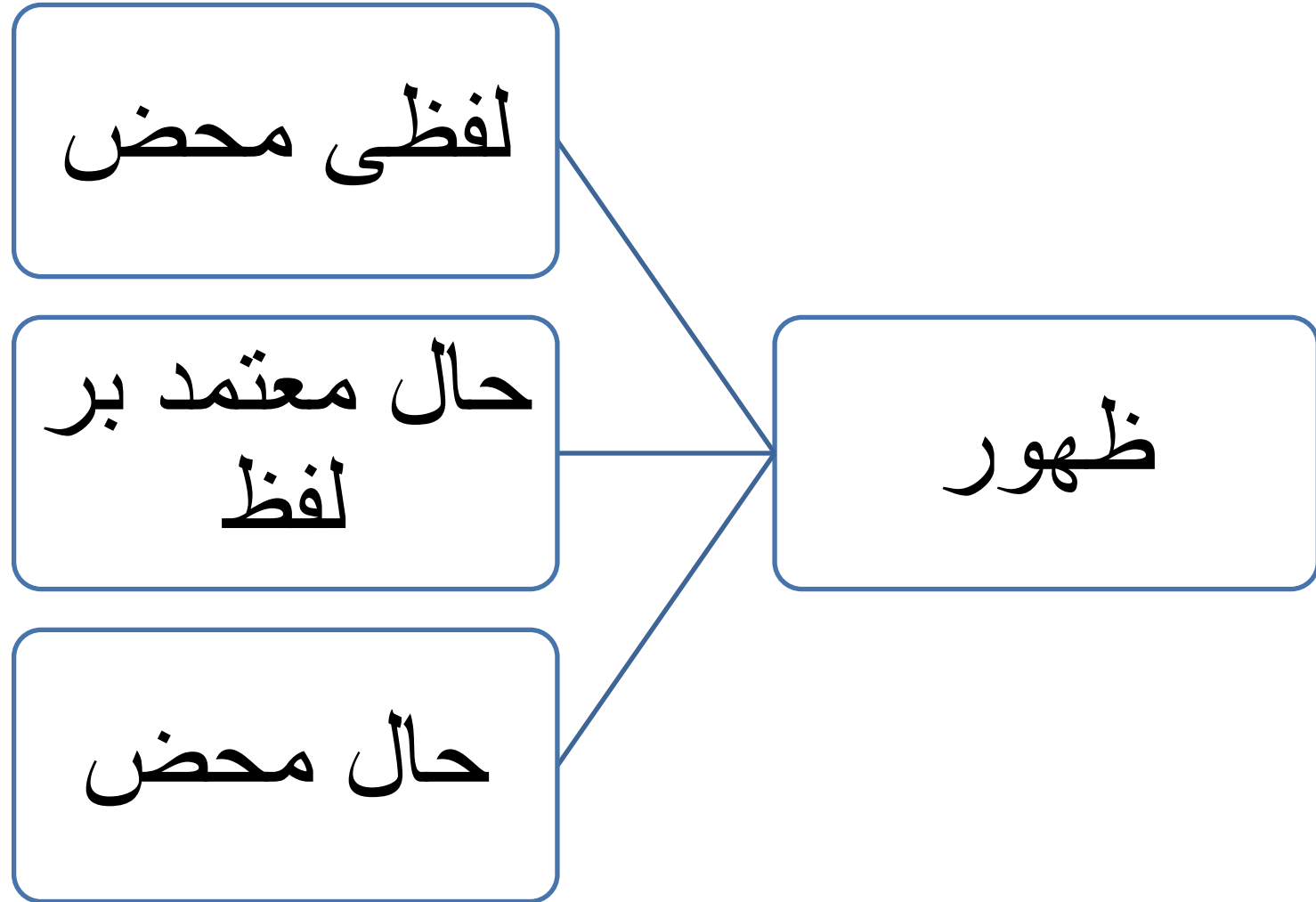
- بَلْ أَتَيْنَاهُم بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (٩٠)
- مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذَا لَذَهَبَ كُلُّ
- إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَ لَعَلَّ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا
- يَصِفُونَ (٩١)
- عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (٩٢)



حجیت ظهور



دامنه حجیت ظهور



تفاوت رفتار شارع با عقلا

اشکال

انکار ادعا

صغروی

جواب

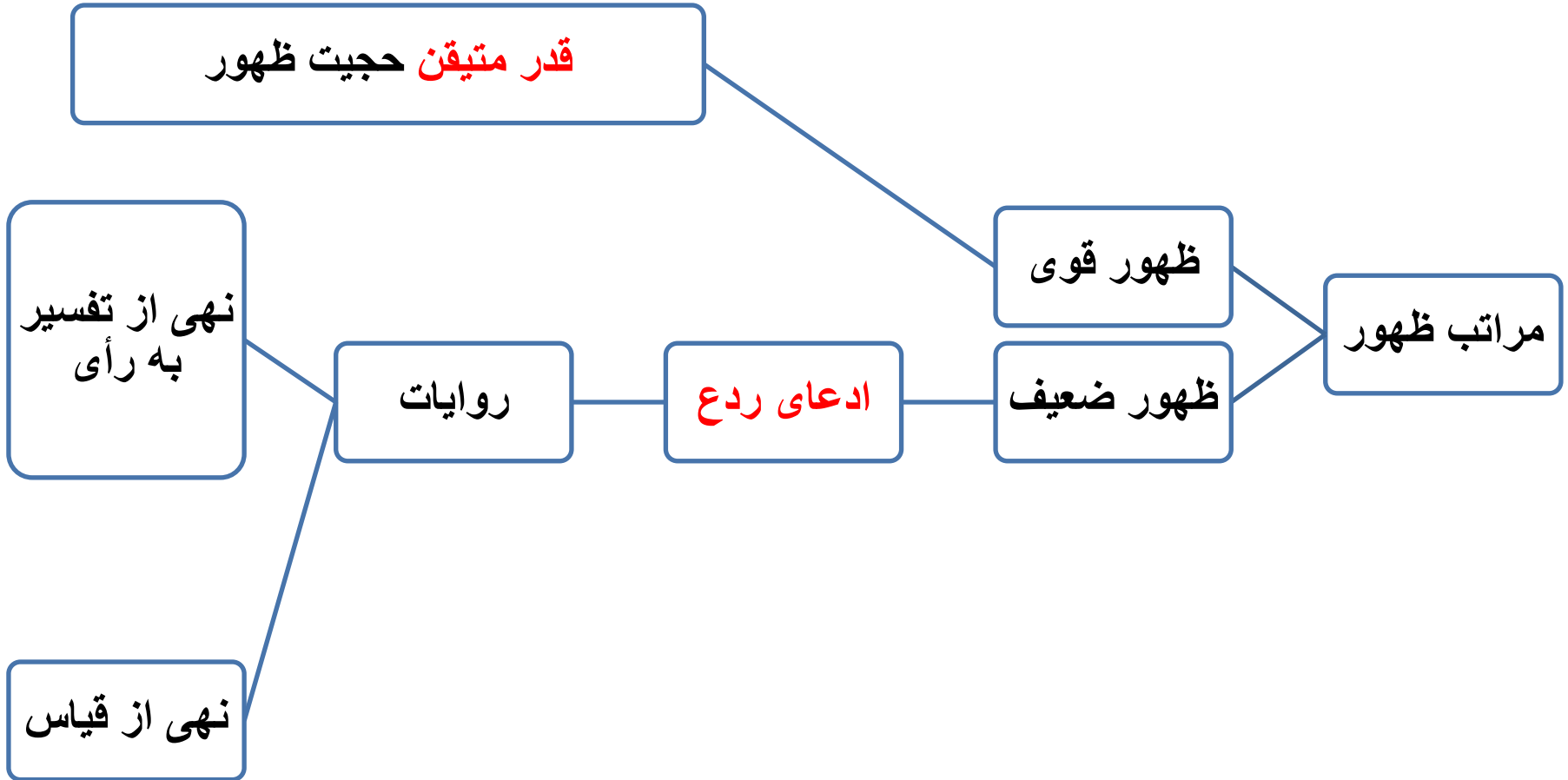
اعتماد بر
قراین
منفصل

تفاوت رفتار
شارع با
عقلا

حجیت ظهور
کلام شارع بآ
وجود این
عادت

کبروی

مراتب ظهور



مراتب ظهور

- مراتب ظهور
- ظهور دارای مراتب است: ظهور قوی و ظهوری که به آن قوت نیست و همین طور پایین تر.

مراتب ظهور

- آنچه که تا حال در بحث حجیت ظهور بیان کردیم، در مواردی ثابت است که ظهوراتِ سخن شارح خیلی آشکار (قوی) باشند؛ زیرا دلیل ما بر حجیت ظهور، سیرة عقلائی غیر مردوعه بود و اگر ظهورات ضعیفی وجود داشته باشند که ما احتمال دهیم ردع شده اند و نتوانیم عدم ردع را درباره آن‌ها احراز نکنیم، حجیتشان مشکوک خواهد بود و اصل عدم حجیت است.

مراتب ظهور

- دو دسته روایاتی وجود دارد که ممکن است، رادع تمسک به ظهورات ضعیف و ضعیف تر باشند.

مراتب ظهور

- دسته اول
- روایاتی که از تفسیر به رأی نهی می‌کنند. ظهورات این روایات جزء ظهورات قوی هستند.
- مصداق بارز تفسیر به رأی که به طور مسلم این نوع روایات آن را در بر می‌گیرد، این است که کسی در مورد آیه‌ای از پیش خود معانی ای بیان کند که هیچ ارتباطی با ظهور آیه ندارد.

مراتب ظهور

- مصادیق دیگری هم برای تفسیر به رأی در مورد قرآن قابل تصور است؛ برای مثال گاهی ظهورات قرآنی ضعیف هستند و مابه کمک بعضی از امور استظهار را انجام می‌دهیم. این از مصادیق روشن تفسیر به رأی نیست که در آن شخص صرفاً رأی خودش را بر قرآن تحمیل می‌کند؛ اما حداقل تفسیر به رأی بودن آن محتمل است.

مراتب ظهور

- همین که احتمال تفسیر به رأی وجود داشته باشد، احتمال این هست که روایات منع از تفسیر به رأی، رادع چنین استظهاری باشد و به محض پیدا شدن احتمال ردع دیگر نمی توان امضاء را احراز کرد. شرط پذیرش یک سیره، احراز امضاء است. لازم نیست برای امضا نشدن یک سیره ردع شدن آن را احراز کنیم، احتمال ردع هم کافی است که بگوییم نمی توان به این ظهورات تمسک کرد. این گروه از روایات صرفاً ناظر به آیات قرآن بودند؛ چون از تفسیر به رأی در مورد قرآن نهی می کنند.

مراتب ظهور

- دسته دوم روایاتی هستند که از قیاس فقهی یا همان تمثیل منطقی نهی می‌کنند. مصداق بارز این نوع قیاس در آنجا است که حکمی برای یک موضوع ثابت است و ما می‌خواهیم این حکم را به موضوع دیگری سرایت دهیم که با این موضوع شباهتی دارد؛

مراتب ظهور

- مثل اینکه خیلی از اهل سنت به حرمت سیگار معتقدند نه از این باب که سیگار مضر است و استعمال امر مضر حرام است، بلکه از این باب که شراب حرام است و سیگار هم مثل شراب نوعی سُکر دارد، بنابراین سیگار نیز حرام است. در این استدلال قیاسی حکمی که مربوط به موضوع خمر است به صرف وجود یک شباهت جزئی به سیگار سرایت داده می‌شود در حالی که سیگار داخل موضوع خمر نیست و نوعی شراب محسوب نمی‌شود.

مراتب ظهور

- برای قیاس مصادیق مشکوک هم وجود دارد؛ مثل جاهایی که عقلا از موضوع یا متعلق حکم الغاء خصوصیت می‌کنند و پس از آن حکم را توسعه داده، برای فراتر از مورد خود ثابت می‌کنند.

مراتب ظهور

- احتمال دارد این هم مرتبه‌ای از قیاس باشد که در فقه ما هست؛ برای مثال فرض کنید زرارہ رضوان اللہ علیہ از امام علیہ السلام می‌پرسد قطره‌ای بول به دست من اصابت کرده است و حضرت می‌فرمایند دستت را بشو. ما در مواجهه با این بیان حضرت نتیجه می‌گیریم که دست زرارہ به واسطه اصابت قطرة بول نجس شده است؛ چون امر به غسل در بیان امام علیہ السلام ارشاد به نجاست دست است.

مراتب ظهور

- ما در این عبارت با الغاء خصوصیت می‌گوییم دست زرارہ رضوان اللہ علیہ موضوعیت ندارد و اگر بول به پای وی ہم اصابت کند، ہمین حکم را دارد و اصلاً زرارہ رضوان اللہ علیہ ہم موضوعیت ندارد، و هر کس دیگر هم باشد و بول به اعضای بدنش اصابت کند، نجس می‌شود، بلکه حتی بدن موضوعیت ندارد و بول به هر چیزی اصابت کند، آن چیز نجس می‌شود.

مراتب ظهور

- چنان‌که می‌بینیم این الغاء خصوصیت مراتبی دارد. در برخی موارد خیلی واضح است؛ مثل اینکه در مثال پیش گفته بخواهیم از دست الغاء خصوصیت کنیم و حکم را به تمام بدن سرایت دهیم.

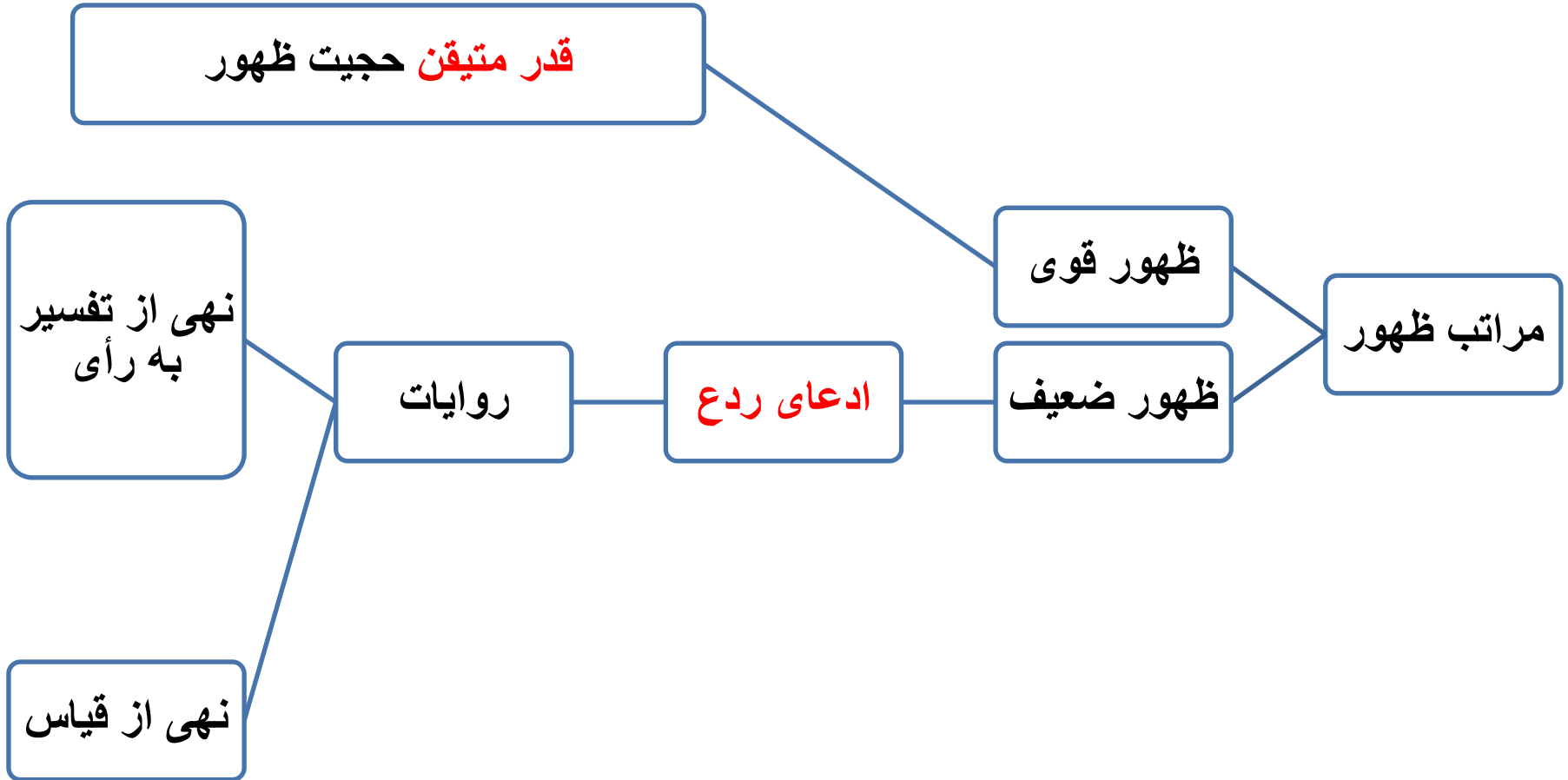
مراتب ظهور

- در برخی موارد هم به آن وضوح نیست؛ مثل اینکه بخواهیم از زرارہ رضوان اللہ علیہ الغاء خصوصیت کنیم و بگوییم وی موضوعیت ندارد. هر چه از این مقدار فراتر می‌رویم با تردید بیشتری نسبت به امکان الغاء خصوصیت مواجه می‌شویم.
- به دلیل همین تردیدها و در نتیجه احتمال قیاس بودن استدلال در موارد مردد، ممکن است ادله‌ای که از قیاس منع می‌کنند از این موارد هم منع کنند.

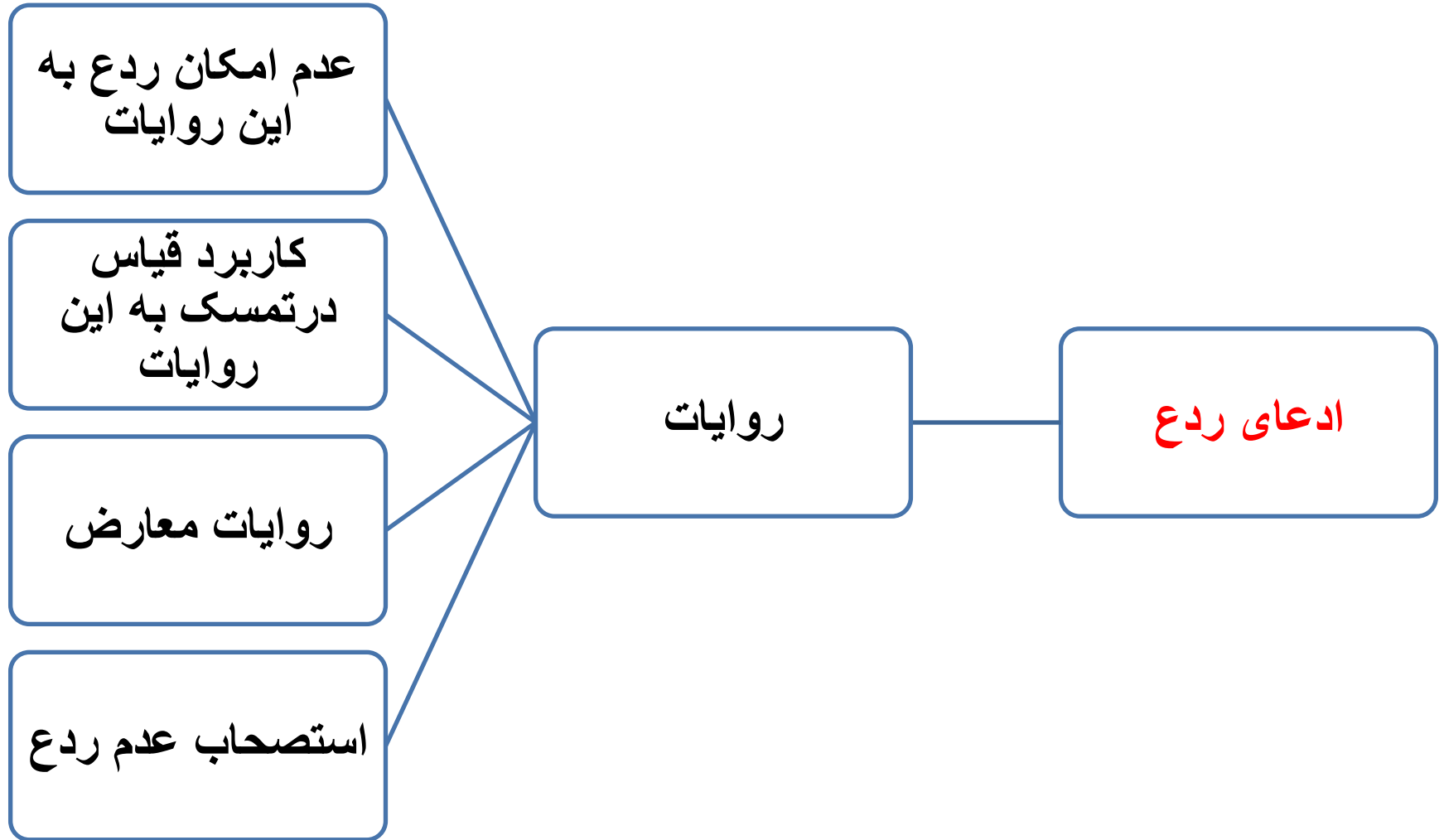
مراتب ظهور

- شهید صدر رضوان الله علیه چند جواب به این اشکال می دهند:

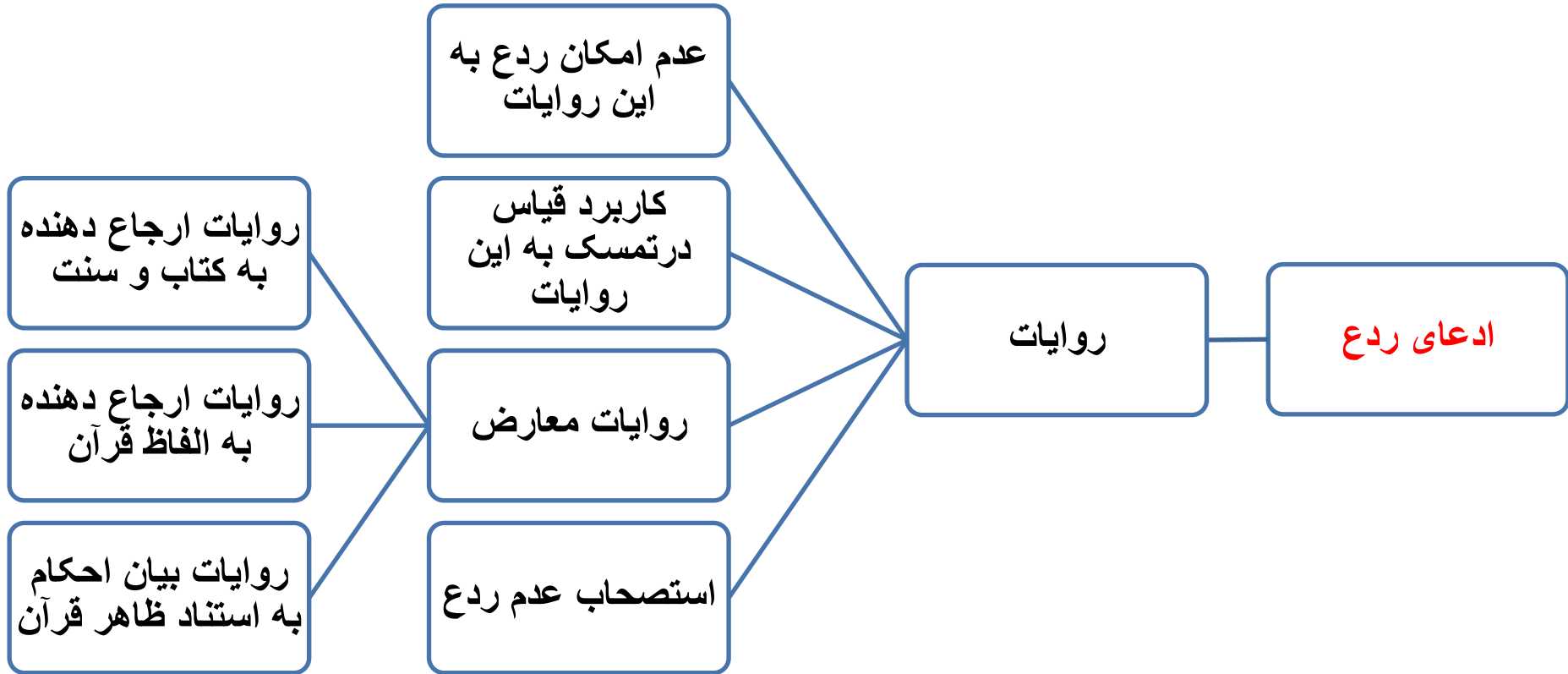
مراتب ظهور



مراتب ظهور



مراتب ظهور



مراتب ظهور

- قیاس از نظر فقه شیعه باطل است.
- بعضی از فقهای شیعه نیز این چنین گفته‌اند.
- ما در جای خود می‌گوییم الغاء خصوصیت از صغریات ظهور است؛ یعنی وقتی خصوصیت در نظر عرف الغاء می‌شود، آن عبارت در معنای توسعه یافته ظهور پیدا می‌کند. این ظهوری که را با الغاء خصوصیت به دست آوردیم، خود دارای مراتبی است. که ظهور اغسله در نجاست یا در مرتبه بعد موضوعیت نداشتن دست زراره و سرایت آن به کل بدن، جزء ظهورات قوی هستند؛ ولی از اینکه فراتر می‌رویم کم‌کم ظهورات حاصل شده قوت خودشان را از دست می‌دهند و احتمال دارد توسعه‌ای که می‌دهیم مصداقی از قیاس محسوب شود. همین احتمال، کافی است که بگوییم شاید ادلة رادع از قیاس تمسک به این مرتبه از ظهورات را ردع کرده‌اند.
- بحوث فی علم الأصول، ج ۴، ص ۲۵۸ - ۲۵۹.

جواب اول به روایات

- جواب اول به روایات
- در بحث آیات ناهی از عمل به ظن بیان شد که باید بین رادع و مردوع به لحاظ کمیت و کیفیت تناسب باشد. در اینجا نیز ادلة نهی از تفسیر به رأی یا نهی از عمل به قیاس نمی‌تواند رادع این‌گونه ظهورات باشد؛ چون سیره عمل به مطلق ظواهر از جمله ظهور ضعیف یک سیره گسترده با ریشه‌های بسیار قوی و عمیق در ذهن عقلا است.
- بنابراین شارع نمی‌تواند با این عباراتی که از نظر عقلا، نمی‌تواند رادع آن سیره محسوب شوند، آن سیره را ردع کند.

جواب اول به روایات

- اصولاً عقلاً دلیلی را که می‌گویند تفسیر به رأی حرام یا ممنوع است، از همان ابتدا و از باب «ضیق فم الرکیة» شامل ظهورات ضعیف نمی‌بینند؛ چون عقلاً آن استظهارات قرآنی را که مستندشان، ظهور ضعیف است، تفسیر به رأی نمی‌دانند.